

فلسفه تربیت

فلسفه از حقیقت درهرمرتبه و بهر صورتی که هست بحث می کند و ماهیت آن درک حقیقت است (۱) درمیان مجهولات انسان مسائل مربوط به نظام کلی عالم و جریان عمومی امور جهان دردرجه اول اهمیت است و کشف رمز هستی بزرگترین آرزوی انسان است. یکی از رازهای هستی وجود خودانسانست. انسان که جویای حقیقت هستی است ، خودش یکی از واقعیتها ، وموجودات هستی است ، و خلقت خود او از عجائب است. مهم اینکه خود انسان جهان را شناسائی و ارزشیابی می کند ، و قطعا " موجودی که شناسائی و ارزشیابی می کند ارزش خودش از ، ارزش آن چیزهائسی که ارزشیابی می کند کمترینست .

انسان به اعتبار اینکه خالق هستی او را آفریده است ذات و ماهیت خاصی داراست یعنی واجد خصوصیات و مشخصه هائی هست که دروجود او نهاده شده و از سوئی با عقل واراده واستعداداتی که بالقوه در او هست می تواند صیوررتی پیدا کند ، و به گونه خاصی صیوررتی پیدا کند و " بشود ". خلاصه انسان درهر مقطع زمانی چیزی هست و توانائی دارد که چیزی بشود جریان از تحول وتغییر که درمیان این دو " بودن " و " شدن " هست تربیت نام دارد . دراینکه انسان امروز با انسان سه سال قبل فرق دارد شکی نیست . توان بالقوی که انسان در پنج سال بعد خواهد داشت ویا می تواند داشته باشد ، با توان فعلی او فرق دارد ، بعضی تغییرات از قبیل رشد عصبی ، استخوانی و عضلانی چندان در اختیار خود انسان نیست اما اینکه انسان تصمیم بگیرد برحوزه دانائی خودش بیفزاید ، یا فن و مهارتی کسب کند ، یا محبوبیت اجتماعی کسب نماید ، تا حدود



زیادی در اختیار خودش است .

از لحاظ اجتماعی نظیر عضویت اجتماعی اطاعت و رهبری مطرح می شوند که کلیت آنها نسبت به سئوالات فوق الذکر کمتر است ، اما ربط آنها به انسان بیشتر می باشد .

نمونه ای از سئوالاتی که در ارتباط با چگونه بودن ، و چگونه شدن انسانست بشرح زیرانند هدف انسان در مسیر زندگی چه باید باشد ؟ حد و مرز رشد عقلانی با رشد عاطفی کجاست ؟ آیا انسان ذاتاً " پاک است یا شریر ؟ انسان در فعالیت های خود تا چه حدودی مختار است ؟ در تربیت انسان آیا بایستی رشد استعدادات او را اصل قرار داد یا ناظر به پرورش اجتماعی او بود ؟

مفاهیم و مسائلی از فلسفه تربیت در منابع غربی

در این رابطه که انسان چگونه ذات و فطرتی داراست ، و چگونه می تواند تغییرات مطلوب پیدا کند ، و در اینکه انسان خوب چگونه است سئوالات متعددی طرح می شوند و برای هر سؤال پاسخ های گوناگونی از اهل فن می توان شنید .

آقای دکتر داوری نوشته اند : فلسفه ، علم به ماهیات اشیاء است و تمام فلاسفه با این پرسش فلسفه را آغاز می کنند که چه هست ؟ و چرا هست ؟ و چیست که هست ؟ باندکی دقت ملاحظه می کنیم که هر کدام از سئوالات فوق درباره خود انسان ، یعنی هستی و چگونگی او نیز مطرح اند .

مسائل یا موضوعاتی که فلسفه پیرامون آنها به بحث و تحقیق می پردازد ، از قبیل این مسائل اند که واقعیت چیست ؟ حقیقت دنیائی که در آن زندگی می کنیم کدام است ؟ معرفت ما به جهان از چه راه هایی اکتساب می شود ؟ معرفت حاصل شده ما از جهان تا چه حدودی اعتبار دارد ؟ ارزش چیست ؟ ملاک تعیین ارزش اشیاء و امور و رفتار کدام است ؟ قضایای علمی در قبال مقایسه با قضایای ارزشی چه حکمی دارند ؟ زیبایی چیست ؟ مقیاس زیبایی کدام است ؟ در هر کدام از مسائل فوق ممکن است اشیاء و امور خارج از وجود انسان ، موضوع باشند و یا خود انسان موضوعیت داشته باشد . در هر کدام از پرسش های فوق ، چنانچه خود انسان موضوعیت داشته باشد مناسب است که با امر تربیت و تعلیم انسان پیدا می کند و فلسفه آموزش و پرورش در صدد یافتن پاسخ برای آنهاست . سئوالات دیگری نیز در رابطه با حیات فردی انسان از لحاظ عقلانی ، عاطفی ، و

در کتاب فلسفه دیوئی (۲) مسائل زیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته اند :

- ۱ - تربیت یک ضرورت زندگی است .
- ۲ - تربیت یک عمل اجتماعی است .
- ۳ - تربیت یک راهنمایی است .
- ۴ - تربیت بمعنی رشد (۳)
- ۵ - تربیت بعنوان فعالیتی محافظه کارانه و پیا پیشرونده
- ۶ - مفهوم دمکراسی در تعلیم و تربیت .
- ۷ - اهداف تعلیم و تربیت .
- ۸ - تربیت ناظر به کارآئی اجتماعی .
- ۹ - نظریه های مربوط به ساخت
- ۱۰ - نظریه های مربوط به اخلاق
- ۱۱ - موضع فرد انسان در قبال جهان .

در کتاب تئوری های تربیتی معاصر (۴) تالیف رابرت ماسون مسائلی نظائر مطالب زیر تشریح شده است که بطور مستقیم یا غیر مستقیم بعد فلسفی دارند .

- ۱ - انسانگرایی
- ۲ - ملی گرایی
- ۳ - برنامه روش ، راهنمایی
- ۴ - جهان ، انسان
- ۵ - اصول حاکم بر جهان هستی
- ۶ - ملاک های

بقیه از صفحه قبل

فلسفه و به بلندای هنر صورت می دهد .

در کتاب فلسفه‌های تعلیم و تربیت (۱۱) تالیف ماکس وینگو، در ارتباط با فلسفه بنیاد - گزائی سخنی دارد که با بررسی آن می توان هدف عمده تعلیم و تربیت را براساس این مکتب استنباط نمود . سخن او چنین است :

معر (تفکر) محافظه کارانه ادراکات خاص خود را درباره ماهیت و اهمیت تعلیم و تربیت داراست . مدارس بخاطر آن تأسیس می شوند که عقائد محافظه کارانه را بعنوان یک عمل اجتماعی به دقت انجام بدهند . بنیاد گرا معتقد است که بعضی مواد درسی شایستگی آموزش را در مدارس دارند، و بعضی لازم نیستند .

مدارس بایستی ارزشهای سنتی را کاملاً "



حرمت دارند و آنها را انتقال بدهند، مدارس نبایستی در مقابل سئوالات راجع به ارزشها خنثی باشند . مدارس عامل اشاعه و ایجاد سنتهای ارزشی در میان مؤسسات و نهادهای

اخلاقی (۵) ۷ - انسان بسوی حیات خوب ۸ -
مورثت فرهنگی ۹ - ساختار اجتماعی ۱۰ -
عینیت نیازها - ۱۱ - منابع نظام اخلاقی (۶)
۱۲ - شدن (۷) ۱۳ - امید و واقعیت (۸)
۱۴ - اهداف تعلیم و تربیت .

در کتاب تحلیل تعلیم و تربیت معاصر، نوشته آلن، ارنستین و . . . در مورد هدفهای تعلیم از نظر آلفرد ویت هد، مسائلی بشرح زیر نقل شده است . (۹)

الف - نخستین چیزی را که انسان با وجود طبیعتهای گونه گون، و تحت مقتضیات خاص خودش می کوشد که بدست آورد " عمومی ترین ارزشهای گوناگون است " در این رابطه اضافه می کند، انسان بموجب خصیصه نوعی، مداوم در جستجوی کشف و گسترش جهان خویشتن است .

ب - جستجو و کشفیات انسان بصورت دورانی (۱۰) گسترش می یابد

ج - کسب، هنر کار برد دانش - مدرسه باید کاربرد دانش را به شاگرد بیاموزد، و او را مساعدت کند که یک آگاهی شخصی (خود یابی) حاصل کند، احساس قدرت نماید درک زیبایی داشته باشد، ساختاری از عقیده کسب کند که بعنوان یک عامل محرکه در تمام حیات او اثر کند و تجارب بشری را غنا بخشد .

ویت هد به بیان دیگری در مورد هدف آموزش و پرورش می گوید : هدفی را که باید برگزینیم، پرورش انسانی فرهنگی است، با داشتن دانشی توأم با مهارت در یک جهت خاص . دانش ماهرانه زمینه ای برای شروع فراهم می سازد، و فرهنگ هدایتی را به عمق

آقای دکتر شریعتمداری در کتاب جامعه و
تعلیم و تربیت (۱۶) وظائف مدرسه از بعد فرهنگی
را، شامل فهم میراث فرهنگی، ارزش سنجی میراث
فرهنگی و توسعه آن می دانند. و وظیفه دستگاه
تربیتی را از بعد فردی رشد دادن نوجوانان از
ابعاد بدنی، عقلانی، عاطفی و اجتماعی دانسته اند
و منبعی را که خودشان اعلام داشته اند کتاب
روانشناسی رشد تالیف الیزابت هرلاک بوده است.
۱- کتاب علم کلی مقدمه ب .

۲- Democracy and Education

۳- Growth

۴- contemporary Educational theory

۵- Moral Standards

۶- Source of moral order

۷- Becoming

۸- Hope and reality

۹- Analyses of contemporary

Education P.129

۱۰- Cyclically

۱۱- Philosophies of Education

Max wingo P.50

۱۲- کتاب فلسفه های تعلیم و تربیت تالیف

ماکس وینگو صفحه ۱۹۵

۱۳- dea

۱۴- آشنائی با فلسفه صفحه ۹

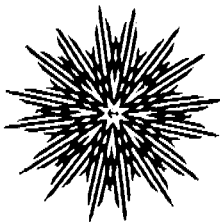
۱۵- با استفاده از کتاب کلیات فلسفه

ترجمه دکتر مجتبیوی صفحه ۲۸۸

۱۶- کتاب جامعه و تعلیم و تربیت آقای دکتر

شریعتمداری صفحات ۳۴ و ۱۴۷

محمد حسن آموزگار



اجتماعی هستند. نیاز به گفتگو ندارد که
مدارس بایستی ماهیت سنن ارزشی را بصورت
غیر قابل تغییری نگهداری کنند .

یکی از اصول یا اهداف تربیت بنظر
عده ای از متفکران پرورش خرد است، زیرا
عقل و فکر وجه ممیز انسان است و شریفترین
چیزی است که در انسان وجود دارد .

در عین حال همین پرورش تفکر، خود مورد
پرورش یا مورد تردید جمعی از متفکران است از
جمله پیرس موسس مکتب اصالت عمل چنین
می گویند (۱۲) : تصور (۱۳) ما از هر
چیزی، مربوط به اثر محسوس آن چیز است . و
چنانچه غیر از این تخیل کنیم خود را گول
زده ایم. و اشتباه است که بگوئیم فکر را برای
نفس فکر کردن بکار می بریم.

از دیر باز تاکنون در این مسأله که انسان
چه هویتی داراست؟ انسان چه باید بشود؟
چه چیزی در عالم هستی اصالت داراست که
انسان بایستی آن چیز را بیاموزد و اولویت
دهد؟ از خصائص وجودی انسان کدام بعد اصل
و کدامها فرع بر آنند؟ متفکران غربی افکار
متعددی را اشاعه داده اند :

پارامید فیلسوف قبل از میلاد مسیح گفت
آنچه به اندیشه نیاید نمی تواند حقیقی باشد
و اوائل قرن ۱۹ شوپنهاور اعلام داشت "جهان
پندارمن است" (۱۴)

افلاطون و قرنهای پس از او دکارت فائل
بودند ما، با بکار بردن روشهای عقلی می -
توانیم به معرفتی کامل دست بیابیم، و آنچنان
معرفتی که کاملاً درست و دور از خطا باشد. ما
نمی توانیم از راه تجربه حسی هیچ شناسائی
کاملاً " یقینی حاصل کنیم، بلکه در قلمرو ذهن
و عقل باید آنرا جستجو کنیم. (۱۵)